



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از درس خارج فقه - 27 / اردیبهشت / 1383

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز مسأله‌ی بی که لازمتر از مباحثه‌ی درسی است و من بایستی آن را خدمت آقایان عرض کنم، قضایای اخیر نجف و کربلاست که بسیار مهم است و قضایایی نیست که یک مسلمان و شیعه در قبال آن بتواند آرام بگیرد. بنده خودم از دو روز قبل که این قضایا پیش آمد، تقریباً به طور دائمی حالت منقلب است؛ یعنی واقعاً احساس می‌کنم که حادثه‌ی بی را که اینها، این امریکاییهای بی‌خرد و قسی‌القلب، پیش آورده‌اند، حادثه‌ی بسیار دشواری برای خودشان است؛ کار بزرگی را دارند انجام می‌دهند و نمی‌فهمند.

چون امام حسین و امیرالمؤمنین فقط متعلق به شیعه نیست و همه‌ی مسلمانها برای این بزرگواران و برای این مراقد مطهر احترام و ارزش قائلند، برای مسلمان مؤمن قابل تحمل و قابل قبول نیست که بیایند در خیمه‌گاه کربلا و تانگ و توپ و نیروی مسلح بیاورند، یا به گنبد مطهر امیرالمؤمنین اهانت کنند و آن را با گلوله بزنند. این قضایا، قضایای بسیار مهمی است.

به نظر می‌رسد که امریکاییها کار را از حد گذرانده‌اند و در واقع حماقت را با وقاحت و گستاخی و بی‌پروایی توأم کرده‌اند. تعرض به مقدسات مردم و آنچه که مردم دلبسته‌ی به آنها هستند، موضوع کوچکی نیست؛ موضوع بسیار مهمی است. و عجیب این است که با همه‌ی این گستاخیها و بی‌پرواییها، دم از حقوق بشر و دم از دموکراسی و... هم می‌زنند! این همان وقاحتی است که در وجود اینها واقعاً عجیب است. من مطمئنم که مردم مسلمان، بخصوص مردم شیعه - چه در کشور خودمان، چه در شهرهای مختلف عراق، چه در بقیه‌ی نقاط عالم - در مقابل این تعرض و گستاخی امریکاییها ساکت نخواهند نشست. امریکاییها چه خودشان بفهمند یا نفهمند، اعتراف بکنند یا نکنند، در عراق شکست خورده‌اند. آن وضعی که امریکاییها در عراق پیش آورده‌اند و آن تخم‌نفرتی که در عراق کاشته‌اند، محصول تلخش را تا ده‌ها سال در عراق، بلکه در کل منطقه، خواهند چید. این طور نیست که اینها خیال کنند خواهند توانست در عراق بمانند و بر مردم عراق سلطه پیدا کنند و بی‌دردسر حکومت کنند و نفت عراق را ببرند و مردم آن را این طور تحقیر کنند.

ماجرای زندان «ابو غریب» - که اخیراً معلوم شده است که این ماجرا مخصوص زندان ابوغریب هم نیست و در همه یا در اکثر زندانهای که امریکا در عراق دارد، با عراقیها همین رفتار می‌شده است - داغ‌ننگی بر پیشانی امریکاییها شد؛ و این داغ به این آسانیه‌ها پاک نخواهد شد. آن وقت رؤسای امریکایی - رئیس‌جمهور و باند حاکم بر امریکا - می‌گویند ما خبر نداشتیم؛ عذرخواهی‌شان این است! می‌گویند ما اطلاع نداشتیم؛ ما در شکنجه‌گاه‌های صدام را بسته‌ایم. مگر فرق می‌کند که چه کسی مردم را شکنجه کند؛ صدام یا شما؟! شکنجه، شکنجه است. شما در شکنجه‌گاه‌های صدام را نبستید؛ شما جای صدام را گرفته‌اید. این که می‌گویند ما خبر نداشتیم، اولاً دروغ می‌گویند؛ چون صلیب سرخ صریحاً اعلام کرد که از مدتها قبل مسؤولان رده‌ی بالای ارتش و مسؤولان امریکا را در جریان این کار قرار داده است. معلوم می‌شود که از مدتها قبل این کار اتفاق افتاده و حالا آشکار شده است؛ بنابراین باید خبر به اینها رسیده باشد و اگر نرسیده، این موضوع، خودش جرم دیگری است. وانگهی، مگر صدام خودش به سلولها می‌آمد و شکنجه می‌کرد؟ صدام هم مأمورینش می‌کردند، شما هم مأمورینتان دارند می‌کنند.

دستگاه شما، دستگاه نفرت، ظلم، بی‌اعتنایی و بی‌احترامی به کرامت انسانهاست. چرا وارد عراق شدید؟ چرا یک کشور مستقل را زیر چکمه‌ی سربازان خودتان این طور لگدمال کردید؟ چرا کرامت و ارزش مردم عراق را نادیده گرفتید؟ حالا دارند طرح انتقال قدرت درست می‌کنند، منتها قدرتی که در واقع در اختیار خود امریکاییها باشد. سیاستمداران و نخبگان عراقی بدانند که هر قدرتی که در عراق روی کار بیاید و دست‌نشانده‌ی امریکاییها تلقی



شود، این قدرت به قدر امریکا پیش مردم عراق منفور خواهد بود. مردم عراق حاضر نیستند که بعد از رفتن صدام، سلطه ی امریکا و دست نشانده های امریکا را بر آن جا ببینند. انتقال قدرت، به این است که به مردم عراق انتقال قدرت شود و انتخابات انجام گیرد؛ مردم انتخاب کنند، نه این که کسی بیاید آن جا یک طرحی را که امریکاییها مایلند، به نخبگان و سیاستمداران عراقی دیکته کند و آنها هم تسلیم همان طرح امریکا شوند.

ورود امریکاییها به عراق غلط بود، ماندن شان غلط بود، رفتارشان با مردم غلط بود، حاکم امریکایی بر سر مردم گذاشتن غلط بود و آمدن شان به سمت کربلا و نجف غلط بود. این کارهایی که اخیراً کردند، غلطاندر غلط است و بدانند که مطمئناً دنیای اسلام و بخصوص دنیای شیعه در مقابل اینها ساکت نخواهد ماند. در دنیای اسلام چهره ی مطهر امیرالمؤمنین، چهره ی مطهر سیدالشهدا (سلام الله علیهما) چهره های نورانی بی است که در اعماق دل‌های مردم جا دارد؛ آن وقت بیایند وارد شهر کربلا و نجف شوند و در کنار «وادی السلام» که محل دفن صلحا و بزرگان و اولیا و اوصیاست، حضور نظامی پیدا کنند و ده ها نفر از مردم بی گناه نجف و کربلا را به قتل برسانند.

جنایتی که اینها انجام می دهند، بزرگترین جنایتهاست و این جنایت از نظر دنیای اسلام، از نظر ملت ایران و از نظر همه ی شیعیان جهان محکوم است و مسلم است که امریکاییها نخواهند توانست این راه را ادامه دهند. هرچه هم ادامه دهند، بیشتر در این گنداب که خودشان به وجود آورده اند، فرو خواهند رفت و بیشتر اسیر این باتلاق خواهند شد. اگر هرچه زودتر خودشان را خلاص کنند و نجات دهند، به صرف آنهاست. البته امریکاییها گیر افتاده اند و الان هیچ کار نمی توانند بکنند؛ ادامه دادن شان شکست است، خارج شدن شان هم شکست است؛ اما در عین حال، ادامه دادن، شکست بزرگ تری است و ضربه ی سهمگین تری بر آنها وارد خواهد کرد. امروز آنها در عراق و صهیونیستهای غاصب در فلسطین، بزرگترین جنایت بشری را مرتکب می شوند و این کافی است که دنیا به حقانیت سخن جمهوری اسلامی که «مرگ بر امریکا» و «مرگ بر اسرائیل» را جزو شعارهای خودش قرار داده، پی ببرد. اگر امروز دولتهای اروپایی حقیقتاً در ادعای طرفداری از حقوق بشر صادقند و راست می گویند، باید صریحاً در مقابل این حرکتی که امریکاییها کرده اند، اقدام کنند؛ حرف فایده یی ندارد و کشورهای اروپایی باید در مجمع عمومی سازمان ملل، نه در شورای امنیت که بتوانند آن را «وتو» کنند، قطعنامه ببرند و این رفتارهای ضدبشری امریکا را محکوم کنند، تا نشان دهند که واقعاً راست می گویند؛ والا صرف ادعای حقوق بشر از نظر ملتها، هیچ ارزشی ندارد.

والسلام علیکم ورحمةالله